

خطای برداشتی دیگر از جانب وقایع نگاران جنگهای جهانگشایانه اعراب، که ناشی از نتیجه گیریهای بعدی آنان از پیروزیهای جنگی سریع مسلمانان است، این تصور است که این جنگها در دوران دو خلیفه اول، ابوبکر و عمر در اجرای برنامه مشخص و از پیش طرح شده ای صورت گرفت اند، در صورتیکه تمام مدارک موجود نشان میدهند که این جنگها بجای اینکه در اجرای طرحهای تعیین شده قبلی انجام گرفته باشند لاقلاً در مراحل اولیه صرفاً بصورت دستبرد ها و شبیخون هایی سنتی صورت گرفتند که از یکسو عطر ز دوخورد های دیرینه قبیله ای را که اسلام در منع آن کوشیده بود از طریق فرومینشانید و از سوی دیگر اعراب را از غنای برخوردار میساخت که بسیار بیشتر از طریق تاراج بدست میامد تا از طریق یک بهره گیری سازمان یافته. ولی در عمل کنترل این ماشین بر اثر پیروزیهای پیاپی جنگی از دست گردانندگان آن خارج شد و حرکت از یک پیروزی به پیروزی دیگر با چنان شتابی ادامه یافت که این بار بنیان گذاری یک امپراتوری عرب نتیجه اجتناب ناپذیر آن بود. با اینهمه در این مورد نیز لازم به تاکید است که ایجاد این امپراتوری بسیار کمتر حاصل یک طرح برنامه ریزی شده قبلی بود تا پیامد منطقی رویدادهایی که پیش بینی آنها در آغاز به دشواری امکان پذیر بود.

برداشتهای مذهبی درباره جنبه آسمانی جهانگشایی اسلامی، از نوع آنچه در تفسیرهای تاریخ یهود براساس عهد عتیق یا تفسیرهای تاریخ مسیحیت براساس تغییرهای فلسفی قرون وسطایی میتوان یافت، هیچکدام با مبانی خاص اسلامی تطبیق نمیکند. از دیدگاه واقع بینی عنوان اسلامی میباید بر حسب شرایط تاریخی در سه مفهوم جداگانه و در دنبال یکدیگر بکار برده شود: اسلام نخستین یعنی اسلام بعنوان یک مذهب، اسلام دومین یعنی اسلام در صورت یک حکومت، و سرانجام اسلام سومین یعنی اسلام بصورت یک فرهنگ.

آن اسلامی که سرزمینهای پهناور واقع در بیرون مرزهای شمالی عربستان را فتح کرد اسلام مذهبی نبود، اسلام حکومتی بود، بهمین جهت آنچه در این فتوحات پیروز شد عربیت بود و نه اسلام. شمار نومسلمانان شام و بین النهرین و ایران در قرون دوم و سوم هجری چندان زیاد نبود و در همه این سالها فاصله بزرگی میان تصرف نظامی این سرزمینها توسط اعراب و گرایش مردم آنها به اسلام وجود داشت، و تازه بیشتر موارد قبول آیین نو از جانب این مردم بیشتر انگیزه فرار از پرداخت جزیه یا خلاصی از تحقیرها و تبعیض های گوناگون اجتماعی را داشت. اسلام سومین، یعنی اسلام مذهبی و نه اسلام حکومتی، بلکه اسلام فرهنگی، شکل گیری دیگری از اسلام بود که به تدریج و در طول قرون تحقق یافت، ولی این بار این اسلام نه بصورت عربی بلکه بصورت میراث مشترک فرهنگهای سریانی، آرامی، ایرانی و یونانی پایه ریزی شد.

بن مایه: پس از هزار و چهارصد سال – دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books>